

International Criminal Court`s Challenges in Dealing with the Situation of the Democratic Republic of Congo

Mohammad Reza Sobhani¹

Abstract

With the establishment of the International Criminal Court (ICC), the impunity movement took on a more serious form, and the hope for the realization of this dream has been realized. The situation of the Democratic Republic of the Congo was one of the first ones that dealt with by the ICC. This was also a test for the Court's effectiveness of its laws in the administration of justice. Within the situation, the Court has dealt with six cases to punishing international crimes committed during the Congolese civil war. During the investigations related to the situation, two issues were raised: First, the effectiveness of the Court's rules, including the Statute of the Court, Rules of Procedure and Evidence, and other relevant rules in prosecuting and punishing offenders, and second, the use of elements of a fair trial for trying the accused. Since the Court is an international body dealing with the most serious crimes concerned with the international community, a fair trial, focusing on the punishment of perpetrators and protection of the victims, is the least expected of an international tribunal. In the meantime, handling some cases was more challenging, *inter alia*, the case of Mr. Thomas Lubanga, whose criminal case contained many legal issues. In addition, the function of the Court was repeatedly criticized during his trial. In particular, the performance of the prosecutor's office in collecting documents against the defendants, as well as the manner in which the trial handled their case, indicated that the Court's rules may not have the effect to conduct a fair trial yet and that some of its rules need to be amended. Although the court did not succeed in convicting all the accused and also could not determine the punishment for their crimes for the rest of the convicts, it was able to lay the foundation for the fight to end impunity.

Keywords: International Criminal Court, Democratic Republic of the Congo, Statute of the Court, Rules of Procedure and Evidence of the International Criminal Court, Fair Trial

¹Lecturer in International Law at Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sobhani.mohammadreza80@gmail.com

چالشهای دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو

محمد رضا سبحانی^۲

چکیده

با تشکیل دیوان بین المللی کیفری، نهضت بی کیفرمانی شکلی جدی تر به خود گرفت و امید برای تحقق این روءیا رنگ واقعیت یافت. جمهوری دموکراتیک کنگو از جمله وضعیتهایی بود که دیوان بین المللی کیفری در زمان شکل گیری درگیر رسیدگی به آن گردید و کارآمدی قوانین آن در مسیر اجرای عدالت به بوته آزمایش نهاده شد. با ارجاع وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، دیوان مشغول رسیدگی به شش پرونده در این زمینه گردید تا جنایات بین المللی صورت گرفته در طول جنگهای داخلی کنگو مورد مجازات واقع شود. در طول این رسیدگیها دو امر مورد توجه واقع شد. نخست، کارآمدی قوانین دیوان اعم از اساسنامه، آیین دادرسی و ادله و آیین نامه دیوان در محاکمه و مجازات مجرمان و دوم، بکارگیری مولفه های دادرسی عادلانه در محاکمه این افراد. از آنجا که دیوان یک نهاد بین المللی است عملکرد آن مورد توجه جامعه جهانی بوده و رسیدگی عادلانه در کنار مجازات مجرمان کوچکترین توقع از یک محکمه بین المللی می باشد. در این میان رسیدگی به برخی پرونده ها با چالش بیشتری مواجه بود. از جمله رسیدگی به پرونده آقای توماس لوبانگا که رسیدگی کیفری به پرونده ایشان، حاوی نکات حقوقی بسیاری می باشد. بعلاوه عملکرد دیوان در طول رسیدگی به پرونده ایشان مکررا مورد نقد واقع گردید. خصوصا عملکرد نهاد دادستانی در جمع آوری اسناد و مدارک علیه متهمان و همچنین نحوه رسیدگی شعبه بدوی به پرونده آنها که نشان از آن داشت که ممکن است قوانین دیوان هنوز ظرفیتهای لازم برای رسیدگی عادلانه را نداشته باشد و برخی قواعد آن نیازمند بازنگری مجدد می باشد. اما اگر چه دیوان در محکوم نمودن تمامی متهمان توفیقی نداشت و در مورد مابقی محکومان نیز نتوانست مجازاتی در حد جنایات آنها تعیین نماید اما تا همین میزان نیز توانست سنگ بنای پایان دادن به بی کیفرمانی را بنا نهد.

واژگان کلیدی: دیوان بین المللی کیفری، جمهوری دموکراتیک کنگو، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، آیین دادرسی

دیوان، دادرسی عادلانه

^۲. دکتری حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی؛ تهران، ایران. پست الکترونیک: sobhani.mohammadreza80@gmail.com

مقدمه

اگرچه بسیاری معتقد هستند که این دیوان، دیوانی است که به جرایم سیاه پوستان می پردازد^۳ اما فارغ از این انتقاد که جای بحث دارد، بررسی نحوه دادرسی دیوان از زمان شکل گیری آن هم بسیار بحث برانگیز بوده است. چرا که یکی اهداف مهم دیوان این است که در کنار مبارزه با بی کیفر مانی، بتواند محاکمه ای عادلانه برقرار سازد. بنابراین منبای اساسنامه دیوان و همچنین آیین دادرسی و ادله- که به چگونگی جریان رسیدگی قضایی می پردازد - بر این دیدگاه بنا شده است. این امر در رسیدگی دادگاه نیز کاملاً مشهود است یعنی هر کجا که معیارهای یک محاکمه عادلانه دچار خدشه می شود، ورق به نفع متهم بر می گردد و به نظر می رسد که این پیام را می رساند که جایی که نمی توان محاکمه عادلانه نمود بهتر است که هیچ محاکمه ای صورت نگیرد. این مقاله مبتنی بر چالشهای دیوان پیرامون وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، در مورد شش متهم به نامهای توماس لوبانگا دایلو، بوسکو تاگاندا، ژرمن کاتانگا، کالکست موباروشیماننا،^۴ سیلوستر موداکومورا^۵ و متیو گوجیالو چویی^۶ می باشد که به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت به واسطه جرائم مختلف که در ادامه به آن خواهیم پرداخت مورد محاکمه قرار گرفتند. از آنجا که محاکمه آقای توماس لوبانگا به دلیل چالشهای فراوان در آن دارای اهمیت بیشتری بوده و نکات حقوقی بیشتری در آن وجود دارد، پژوهش حاضر را بیشتر با تمرکز بر روی این پرونده پیش خواهیم برد و در سایر پرونده ها صرفاً موارد مهم آن را مورد بررسی قرار می دهیم. بدیهی است که عملکرد دیوان، همچنین اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دیوان در این رسیدگیها به محک گذارده شده و در خلال رسیدگیها نقاط ضعف و قوت آن مورد آزمون قرار گرفت. بعلاوه در جریان این رسیدگیها عملکرد نهاد دادستانی بعنوان یکی از مهمترین ارکان دیوان نیز مورد نقد بسیاری قرار گرفت. زیرا در جریان تحقیق و بعلاوه در خلال رسیدگی قضایی ایرادات بسیاری به نحوه عملکرد آن وارد بود که انجام یک محاکمه عادلانه را با چالش همراه ساخته بود. این مقاله در سه بخش کلی تنظیم گردیده که بخش اول به بررسی صلاحیت دیوان در رسیدگی به وضعیت کنگو، بخش دوم به عملکرد شعبه مقدماتی در رسیدگی قضایی و بخش سوم به کارکرد دیوان در رعایت حقوق متهم در جریان دادرسی می پردازد.

۱- بررسی صلاحیت دیوان در رسیدگی به وضعیت کنگو

اساسنامه دادگاه بین دو مفهوم «قابلیت پذیرش» و «صلاحیت» تفاوت قائل شده است. منظور از صلاحیت قابلیت دادگاه جهت رسیدگی به دعوی مختلف از لحاظ عناصر زمانی، مکانی، نوع جرایم ارتكابی، وضعیت مرتکبان آنها و نظایر اینها می باشد. در حالی که منظور از قابلیت پذیرش پاسخگویی به این سوال است که در صورت وجود آن صلاحیتها و پس از احراز آنها، دادگاه

۳. Hoile, David, Justice Denied, The Africa Research Centre, 2014, p. 5

۴. Thomas Lubanga Dyilo

۵. Bosco Ntaganda

۶. Germain Katanga

۷. Callixte Mbarushimana

۸. Sylvestre Mudacumura

۹. Mathieu Ngudjolo Chui

کیفری بین المللی با چه شرایط و در چه مواردی حق دخالت دارد.^{۱۰} هر مرجع قضایی پیش از شروع به رسیدگی باید از صلاحیت خود در رسیدگی قضایی نسبت به پرونده ارائه شده اطمینان حاصل نماید. دیوان بین المللی کیفری نیز از این اصل مستثنی نیست. در این بخش مختصراً صلاحیت دیوان را در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو مورد مطالعه قرار می دهیم. مطابق اساسنامه دیوان، یکی از موارد ارجاع وضعیت به دیوان توسط دولت عضو اساسنامه می باشد که بر مبنای آن «یک دولت عضو می تواند موضوعی را که ظاهراً در آن یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است، به دادستان ارجاع و درخواست تحقیق نماید...»^{۱۱} دیوان نیز بر مبنای ماده (۱۷) می تواند قابل پذیرش بودن موضوعی را مورد بررسی قرار دهد. جمهوری دموکراتیک کنگو در طول پنج سال - تا سال ۲۰۰۳ - درگیر جنگهای بین قومی بود و در خلال این جنگها جرایم بسیاری صورت گرفت. اتهامات این افراد جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی عنوان شده بود که به لحاظ موضوعی هر دو این جرایم داخل در صلاحیت دیوان می باشد.

پس از این جنگها، از آنجا که دولت جمهوری دموکراتیک کنگو جزء دولتهای امضاء کننده اساسنامه رم می باشد، بنابراین و مطابق ماده (۱۴) بند (۱) وضعیت این کشور را به دادستان دیوان در آوریل ۲۰۰۴ ارجاع نمود. به دنبال آن دیوان پنج پرونده را در مورد جرایم صورت گرفته در کنگو باز نمود. پیش از ارجاع وضعیت توسط جمهوری دموکراتیک کنگو، دادستان دیوان براساس اختیارات خود وفق ماده (۱۵) تصمیم داشت تا براساس گزارش های دریافتی از جرائم صورت گرفته در سرزمین کنگو در خلال جنگهای داخلی تحقیقاتی را راساً آغاز نماید. این اطلاعات عمدتاً از قربانیان، شاهدان و سازمانهای مردم نهاد دریافت شده بود. در حقیقت با ارجاع وضعیت از سوی خود دولت عضو که در قضیه مربوطه درگیر بوده است، مهمترین مانع در رسیدگی دیوان یعنی صلاحیت تکمیلی نیز برطرف گردید. مطابق ماده (۱) اساسنامه دیوان در صورتی که دادگاه دولتی که صلاحیت اصلی و اولیه رسیدگی به جرائم صورت گرفته را دارد، نخواهد و یا نتواند به آن رسیدگی کند، دیوان صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را خواهد داشت.

از لحاظ صلاحیت زمانی نیز با توجه به نص ماده (۱۱) اساسنامه رم مبنی بر اینکه «دیوان تنها نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشد» تحقیقات دیوان بین المللی کیفری در جمهوری دموکراتیک کنگو از اول ژوئیه ۲۰۰۲ بر روی جرائمی چون جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت که عمدتاً در شرق جمهوری دموکراتیک کنگو، در منطقه ایتوری^{۱۲} و استان های شمالی و جنوبی کیو انجام یافته بود، متمرکز گردید. در دادرسی دیوان بین المللی کیفری و همچنین در بیانیه های مطبوعاتی^{۱۳} این امر بیان گردیده بود که مطابق گزارشات جرائم ادعا شده از دهه ۱۹۹۰ به وقوع پیوسته است، اما صلاحیت این دادگاه از اول ژوئیه ۲۰۰۲ آغاز شده است.^{۱۴}

۱۰. میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۸۸، ص ۴۴

۱۱. بند (۱) ماده (۱۴) اساسنامه رم

۱۲ Omorogbe, Eki Yemisi, The Crisis of International Criminal Law in Africa: A Regional Regime in Response? Netherlands International Law Review. 2019, p. 292

۱۳ Boschiero, Nerina, The ICC Judicial Finding on Non-cooperation Against the DRC and No Immunity for Al-Bashir Based on UNSC Resolution 1593, Journal of International Criminal Justice, Volume 13, Issue 3, 2015, p. 630

۱۴. ایتوری در شرقی ترین قسمت کنگو واقع است و بسیار نزدیک به اوگاندا و رواندا است تا کینشاسا که شورشیان در سال ۱۹۹۸ دولت را در کینشاسا سرنگون کردند.

۱۵ press release

بعلاوه وحشیانه بودن درگیری در ایتوری، به ویژه در مورد تأثیرات آن بر جمعیت غیرنظامی، مورد توجه دادگاه بین المللی کیفری بوده است. گزارشها حاکی از کشته شدن حدود ۳,۳ میلیون نفر بین اوت ۱۹۹۸ و دسامبر ۲۰۰۲ در پنج استان شرقی جمهوری دموکراتیک کنگو می باشد و اعتقاد بر این است که تعداد کشته شدگان ناشی از جنگ در جمهوری دموکراتیک کنگو بالاترین میزان مرگ و میر ناشی از جنگ در آفریقا و یا در هرکجای جهان از زمان جنگ جهانی دوم است.^۷ لذا شش نفر به نامهای توماس لوبانگا دایلو، بوسکو تاگاندا، ژرمن کاتانگا، کالکست موباروشیماننا، سیلستر موداکومورا و متیو گوجیالو چویی توسط دیوان بین المللی کیفری به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت مورد تعقیب و محاکمه قرار گرفتند.

بر این اساس در ماه مارچ ۲۰۱۲ شعبه مقدماتی، توماس لوبانگا را به اتهام ربودن دختران و پسران زیر پانزده سال برای جنگ در منطقه ایتوری در جمهوری دموکراتیک کنگو گناهکار شناخت. در طول درگیریها لوبانگا و نیروهای تحت امرش کودکان را از مدارس و روستاها ربوده و برای جنگ به استخدام خود درآوردند. بر این مبناء توماس لوبانگا به اتهام استفاده از کودکان برای مشارکت فعالانه در درگیری ها (کودک سرباز)، مقصر شناخته شد. همچنین به اتهام بکارگیری کودکان برای کشتن و خدمت به نیروهای نظامی بعنوان برده جنسی نیز گناهکار شناخته شده و در مجموع به ۱۴ سال زندان محکوم گردید.^۸ این حکم مورد استیناف واقع شده و پس از دو سال یعنی در تاریخ یکم دسامبر ۲۰۱۴ مورد تایید دادگاه تجدید نظر واقع شد و متعاقب آن در سال ۲۰۱۵ آقای لوبانگا به یک زندان در جمهوری دموکراتیک کنگو برای گذراندن دوران محکومیت خود منتقل شد.

متهم دیگر ژرمن کاتانگا بود که در ماه مارچ ۲۰۱۴، توسط شعبه مقدماتی محکوم گردید. اتهامات کاتانگا شامل مشارکت در جنایت جنگی در حمله علیه جمعیت غیر نظامی، غارتگری، تخریب اموال عمومی و همچنین قتل بعنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت بود. دادگاه در ۲۳ می ۲۰۱۴ با اکثریت آراء وی را به ۱۲ سال زندان محکوم نمود. البته کاتانگا از اتهام مشارکت در تجاوز و برده داری جنسی بعنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت و همچنین از جرم جنایت جنگی در سربازگیری کودکان تبرئه شد.^۹ در مورد متهمان دیگر نیز باید گفت که دیوان توفیقی در مجازات آنها نداشت، آقای متیو گوجیالو توسط دیوان تبرئه شد، در پرونده مباروشیماننا شعبه مقدماتی با اکثریت آراء اتهامات بر علیه ایشان را رد نمود و در سال ۲۰۱۱ از زندان دیوان آزاد شد. ژرمن کاتانگا در زندان باقی ماند و بسکو تاگاندا تسلیم سفارت آمریکا در رواندا در سال ۲۰۱۳ شد.

با نگاهی به سطح خشونت های اعمال شده و تلاش دیوان در محاکمه مرتکبان این جنایات آن هم در چنین سطح وسیع و خشونت باری، ملاحظه می گردد که مرزهای قضایی ناشی از اساسنامه مانع از ارائه یک محاکمه در سطح و اندازه جنایات صورت گرفته بوده است. لذا این سوال مطرح است که جنبه های مثبت این دادگاه در پیگرد قضایی و محاکمه متهمان در جمهوری دموکراتیک کنگو چه بوده است؟ و اساسا چه اشکالات احتمالی در نحوه تعقیب یا رسیدگی وجود داشته است؟ بعلاوه اگر مزایایی نیز داشته است چه شخص یا اشخاصی از مزایای آن بهره مند خواهد شد و یا برعکس هزینه های آن را تحمل خواهند کرد؟

^۷Kambale, Pascal, Rotman, Anna, The International Criminal Court and Congo, Global Policy Forum.2004, p. 7

^۸ International Rescue Committee, link: <http://www.reliefweb.int/library/documents/2003/irc-drc-8apr.pdf>
"Mortality in the Democratic Republic of Congo: Results from a Nationwide Survey Conducted September – November 2002, Reported April 2003" 13, April 2003.

^۹Airth, Paula, McLaughlin Daniel, BEARING WITNESS AT THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT: An Interview Survey of 109 Witnesses, 2014, p. 21

^{۱۰}<https://www.icc-cpi>

چالشهای دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو

دیوان بین المللی کیفری، سازمانهای مردم نهاد، جمهوری دموکراتیک کنگو و یا قربانیان جنایات؟ براین اساس به بررسی روند رسیدگی دیوان در خصوص جرائم صورت گرفته در جمهوری دموکراتیک کنگو خواهیم پرداخت.

۲- عملکرد شعبه مقدماتی در رسیدگی قضایی

شعبه مقدماتی از ارکان مهم دیوان بین المللی کیفری می باشد که نقش مهمی در رسیدگیهای دیوان دارد. عمده وظایف شعبه مقدماتی را می توان در سه بخش مهم تقسیم بندی نمود:

الف- صدور مجوز شروع تحقیقات

ب- صدور حکم بازداشت در صورت کافی بودن مدارک

ج- تایید اتهامات ادعا شده علیه متهم

در ادامه این سه وظیفه شعبه مقدماتی را در رابطه با وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲- صدور مجوز شروع تحقیقات

مطابق بند (۳) ماده (۱۵) اساسنامه رم، دادستان دیوان پس احراز این امر که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد از شعبه مقدماتی، درخواست مجوز می نماید و مطابق بند (۴) همین ماده شعبه مقدماتی نیز اجازه شروع تحقیق را- در صورت وجود مبنای مستدل- برای دادستان صادر می نماید. بدیهی است که روند تحقیق از بخشهای مهم در انجام یک محاکمه عادلانه می باشد و این امر در رسیدگیهای دیوان کاملاً مشهود است. یکی از مواردی که همواره دادستانی دیوان را مورد انتقاد قرار داد نحوه تحقیق در پرونده های مذکور بود که دادستانی به دلیل عملکرد نادرست در جمع آوری اسناد و مدارک نتوانست در اثبات اتهامات موفق باشد. در پرونده های مذکور تحقیقات در بخشهایی از جمهوری دموکراتیک کنگو مانند ایتوری صورت گرفت. در تحقیقات دادستانی، پرونده آقای توماس لوبانگا بیشترین فراز و نشیب را داشته است.

توماس لوبانگا بنیانگذار «اتحادیه کنگویی های وطن پرست»، «نیروهای میهن پرست آزادی کنگو» و فرمانده سابق این نیروها از سپتامبر ۲۰۰۲ تا پایان سال ۲۰۰۳ بوده است و به اتهام سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال و دیگر جنایات جنگی مورد محاکمه قرار گرفته است.^{۲۰} در پرونده توماس لوبانگا، دادستان دیوان تحقیقات را از طریق دو واسطه به نامهای لاورین^{۲۱} و سبری انجام داده و نظارت بر تحقیقات آنها از طریق قائم مقام دادستان صورت گرفته است. آقای لاورین اظهار داشته است که ۱۲ تیم قدرتمند برای تحقیقات داشته است که از دفتر دادستانی مشاوره می گرفتند و بطور مستقیم به کمیته اجرایی دیوان و شخص آقای اوکامپو (دادستان دیوان) گزارش می داده اند.^{۲۲} این اقدام دادستان دیوان با لحاظ ماده (۵۴) اساسنامه رم انجام گرفته است. مطابق بند (۳) ماده (۵۴) اساسنامه رم، دادستان باید ضمن جمع آوری اسناد و مدارک و بازجویی از مظنونین و صحبت با شاهدان و بزه دیدگان دو امر را لحاظ نماید:

الف- عدم افشاء اسناد و مدارک جدید مگر با رضایت ارائه کنندگان

ب- انجام اقدامات لازم برای اطمینان از اشخاص و نیز حفاظت از ادله و مستندات

۲۰. زمانی نیا، امیر حسین، جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین المللی، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، چاپ

نخست، ۱۳۹۰، صص ۸۰-۷۹

۲۱. Lavgin

۲۲. Sebri

۲۳. Hoile, *supra* note 3. 277

اما نحوه جمع‌آوری ادله و مستندات در عملکرد دادستانی دیوان در خصوص این پرونده همواره مورد اعتراض بوده است. این ضعف در دادگاه رسیدگی به اتهامات نیز خود را نشان داد. به این معنا که یا رسیدگی قضایی را با چالش فراوان مواجه نمود و یا اینکه اساساً توفیقی در محکوم کردن متهم به همراه نداشت.

یکی از مواردی که همواره دادستانی به آن متهم شده بود تنظیم کیفرخواست براساس اطلاعات نادرست بود. در پرونده آقای لوبانگا، اعتراض وکلای ایشان این بود که اتهامات بر مبنای داده‌های اشتباه صورت گرفته است و آقای لوبانگا اتهامات بیان شده را مرتکب نشده‌اند.^{۲۴} استفاده از شهادت شهود، ادله دیگری بود که دادستانی برای اثبات ادعای خود به آن متوسل شد. البته موضوع مشارکت فعال شهود در جریان رسیدگی امری است که امروزه نیز در قالب عدالت ترمیمی در رسیدگی‌های داخلی نیز مورد توجه می‌باشد.

این اعتقاد وجود دارد که سیستم عدالت کیفری سزادهنده و مکافات‌گرا هم قربانی هم مجرم و هم جامعه را در فرآیند عدالت کیفری به نفع اعمال اقتدار عمومی از طریق قوانین کیفری نادیده گرفته است. لذا تئوری عدالت ترمیمی مدعی است که سیستمی را ارائه می‌دهد که در آن منافع قربانی و مجرم و جامعه وجود دارد. بر این اساس در فرآیند عدالت ترمیمی تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخالت دارند و یا در مقابله با آن ذینفع هستند، گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده قربانی و مجرم و جامعه بعد از وقوع جرم چاره‌اندیشی کنند.^{۲۵} تحقیقات نشان داده که قربانیان به چیزی بیش از مجازات نیاز دارند. هنگامی که به قربانیان نقش فعالی در فرآیند رسیدگی به جرائم ارتكابی علیه آنها اعطاء می‌گردد، آنها احساس آرامش بیشتری می‌یابند و در عین حال حس انتقام جویی بعد از ارتكاب جرم در آنها فروکش می‌کند.^{۲۶}

در واقع سزا دادن و مجازات کردن مجرمان هدف اصلی می‌باشد که پاسخی برای خاتمه مصونیت برای نقض حقوق بشر و جرائم ارتكابی در طول مخاصمات مسلحانه می‌باشد. در این رویکرد مجازات مجرم نوعی عدالت را برای قربانی به همراه دارد. بنابراین قربانیان هیچ‌گونه مشارکت و دخالتی در تعقیب و مجازات مجرم در طول رسیدگی و محاکمه ندارند و در نتیجه حق بازگو کردن درد و رنجش در دادگاه و در حضور قضات را ندارند و صرفاً نقش آنها به شاهد در دادرسی‌های کیفری محدود شده است. اما به نظر می‌رسد که حضور قربانی در دادگاه در جلسات رسیدگی و تعامل وی با متهم منجر به درگیری عاطفی میان آنها نیز می‌شود.^{۲۷} اما دیوان بین‌المللی کیفری و بطور خاص نهاد دادستانی در استفاده از این امر ناموفق بود و در خصوص استفاده از شهادت شهود نیز، با مشکلات بسیاری مواجه بودند. در حقیقت به آن اندازه که انتظار می‌رفت تا از شهادت شهود استفاده موثری صورت گیرد، این امر محقق نگردید. اساساً شهودی که در جریان رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جمهوری دموکراتیک کنگو توسط دیوان بین‌المللی کیفری احضار شدند به سه دسته تقسیم می‌شدند: الف- کسانی که شهادت خود را مسترد نمودند ب- کسانی که شهادت ساختگی داده بودند ج- کسانی که شهادت صحیح دادند.

^{۲۴}Kambale and Rotman, *supra* note 16, p.15

^{۲۵} قریشی، فاطمه سادات عدالت ترمیمی و مشارکت قربانیان در دیوان کیفری بین‌المللی (با اشاره به پرونده توماس لوبانگا)، کنفرانس سالانه پژوهش‌های حقوقی و قضایی، ۱۳۹۶، ص ۳

^{۲۶}Will, Mary, A Balancing Act: The Introduction of Restorative Justice in the International Criminal Court's Case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo. Florida State University Journal of Transnational Law & Policy. 17(1), 2007, p. 109

^{۲۷} قریشی، منبع پیشین شماره ۲۵، ص ۲

در مورد کسانی که شهادت خود را مسترد کردند می توان به پرونده آقای لوبانگا اشاره نمود که در آن ، یکی از کودک سربازان برای شهادت به دادگاه احضار شده بود که برای عدم مواجه با متهم از طریق مونیتر شهادت دهد. اما علی رغم اظهارات او در مرحله تحقیقات توسط دادستانی، در مرحله رسیدگی و نزد دیوان به هنگام ادای شهادت، اعلام نمود که چیزی که وی گفته مقصود او نبوده است و حرفهای وی تحریف شده است و در پاسخ به سوال دادستان که در مورد اشاره وی به کمپهای آموزشی عنوان داشته بود، بیان داشت که هرگز چنین حرفی نزده است و شاید اشکال در ترجمه حرفهای وی بوده است. در مورد شهودی که شهادت ساختگی داده بودند نیز می توان به پرونده های آقایان کاتانگا و گوجیولو اشاره کرد که در آنها یکی از شهود پیرامون اینکه آن دو را داخل در یک مدرسه نزدیک یک کمپ آموزشی دیده اند اظهاراتی بیان نموده بود، اما هنگامی که قضات دیوان منطقه را بررسی نمودند متوجه شدند که غیر ممکن است که شهود از جایی که ایستاده بودند بتوانند مدرسه را ببینند.^۸ اگر چه در ماده (۶۸) اساسنامه به موضوع حمایت از بزه دیدگان اشاره شده و بر این اساس ساز و کاری در آن پیش بینی شده است که ضمن حفاظت از قربانیان امکان مشارکت آنها در فرآیند دادرسی را فراهم می کند. اما به نظر می رسد دیوان در اعمال این مکانیزم چندان موفق نبود و ترس از مشکلات آینده منجر به آن گردید که بسیاری از قربانیان از بیان شهادت خودداری کنند. بعلاوه داده های اشتباه در جریان تحقیقات مقدماتی نیز نشان می دهد که در برخی موارد عجلانه و بدون بررسی های کافی (مانند معاینات محلی) تحقیقات صورت گرفته است.

۲-۲- صدور حکم بازداشت در صورت کافی بودن مدارک

مطابق ماده (۵۸) اساسنامه رم، صدور حکم بازداشت و یا احضاریه برای متهم از وظایف شعبه مقدماتی می باشد که با توجه به درخواست دادستان و با در نظر گرفتن شرایط و مدارک، صادر می گردد و در آن علاوه بر مشخصات فرد و اتهامات، خلاصه وقایع ادعایی نیز درج می گردد.

در واقع شکل گیری یک پرونده زمانی است که قرار دستگیری از سوی شعبه مقدماتی صادر شود. به موجب این قرار، فرد یا افرادی متهم به ارتکاب جنایت یا جنایت هایی شناخته می شوند. هنگامی که تعقیب یک پرونده خاص آغاز می شود، این امکان به وجود می آید که بزه دیدگان آن پرونده نیز تعیین شوند.^۹ البته مواردی وجود داشته است که حکم بازداشت فاقد موارد مذکور بوده است. بطور مثال در مورد آقای تاگاندا ما شاهد این هستیم که برای ایشان دو مرتبه حکم بازداشت صادر گردیده است. اولین درخواست حکم بازداشت در تاریخ ۲۲ آگوست ۲۰۰۶ به شعبه مقدماتی تقدیم می گردد که به دلیل اینکه فاقد فهرست اتهامات و همچنین خلاصه وقایع ادعایی بود از جانب شعبه مقدماتی رد گردید و دادستان در تاریخ ۱۴ می ۲۰۱۲ با اصلاح موارد درخواستی، مجدداً از شعبه مقدماتی درخواست حکم بازداشت وی را نمود که شعبه مقدماتی نیز در ۱۳ جولای ۲۰۱۲ آن را صادر نمود.^{۳۰}

^{۲۸}Hoile, *supra* note 3, p. 271

^{۲۹}Baumgartner, Elisabeth, "Aspects of Victim Participation in The Proceedings of the International Criminal Court"; *International Review of the Red Cross*, Vol. 90, No. 870, 2008, p. 415

^{۳۰}https://www.iccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200104/Pages/situation%20index.aspx

در تمامی پرونده های فوق نیز صدور حکم بازداشت با درخواست دادستان و با احراز شواهد و مدارک توسط شعبه مقدماتی بوده است. با صدور حکم بازداشت و ابلاغ به کشور عضو، مراحل بازداشت و تحویل متهم به زندان لاهه با کشور بازداشت کننده است. اما متهم می تواند وفق ماده (۵۹) اساسنامه از مقامات قضایی خود بخواهد تا زمان محاکمه موقتا آزاد شود. بر این اساس مطابق بند(۴) ماده فوق مرجع مسئول در کشور بازداشت کننده شخص با لحاظ اهمیت جرایم ادعایی و انتسابی باید بررسی کند که آیا اوضاع و احوال متهم آزادی موقت را ایجاب می کند یا خیر؟ در صورتی که مرجع مسئول تصمیم گرفت که متهم را موقتا آزاد نماید باید شعبه مقدماتی را نیز از این امر مطلع سازد. علی رغم وجود قانون در این خصوص مقامات کنگو هیچکدام از متهمین را موقتا آزاد ننمودند و به محض بازداشت فوراً تحویل زندان لاهه دادند.

۳-۲- تایید اتهامات متناسب به متهم

از جمله موضوعات بسیار بحث برانگیز در رسیدگی دیوان مسئله تایید اتهامات بود. این امر خصوصا در پرونده لوبانگا بسیار چالش برانگیز و حاوی نکات حقوقی بسیاری است که مختصرا مورد بررسی قرار خواهیم داد. مطابق ماده(۶۱) اساسنامه رم تایید اتهامات قبل از دادرسی با شعبه مقدماتی می باشد که البته این امر با فرایند خاصی همراه است. بر این اساس شعبه مقدماتی موظف است برای تایید اتهامات دادستان، جلسه ای را ترتیب داده و در این جلسه دادستان، متهم و وکیل وی حاضر خواهند شد. اما آنچه که در جریان رسیدگی های دیوان بین المللی کیفری خصوصا در پرونده لوبانگا چالش برانگیز بود، عدم درج تمام جرائم صورت گرفته توسط وی در جریان جنگهای داخلی کنگو بود. این اتهامات در مورد قربانیان جرائم جنسی از حساسیت بیشتری نیز برخوردار بود.

از همان ابتدای انتقال لوبانگا به لاهه، قربانیان جرایم جنسی، نگرانی خود را از عدم ذکر اتهامات برده گیری جنسی، تجاوز و دیگر جرایم جنسی لوبانگا در تقاضای حکم دستگیری وی ابراز کردند. فعالان در حوزه حقوق زنان با اشاره به دلایل مؤید ربودن دختران نوجوان زیر ۱۲ سال و سپس تجاوز به آنها از سوی لوبانگا و نیروهای تحت امر وی، تقاضا کردند که دادستان در این زمینه تحقیقات بیشتری انجام دهد. لیکن حدود یک سال بعد، همان اتهامات سابق، تأیید و برای محاکمه به شعبه بدوی دیوان کیفری ارسال شد. ^{۳۱} با ارسال اتهامات تایید شده بدون افزودن اتهامات جدید این مسئله از سوی قربانیان و وکلای آنها مطرح شد که مطابق ماده ۵۵ آیین نامه، شعبه بدوی می تواند به کیفرخواست، اتهامات جنسی را نیز بیفزاید. ^{۳۲} دادستان تنها ثبت نام، سربازگیری و استفاده از کودک سربازان در مخاصمات مسلحانه را بعنوان اتهامات آقای لوبانگا در کیفرخواست ذکر کرده بود. ^{۳۳} لذا شعبه بدوی قرار « تغییر عنوان قانونی وقایع » پرونده لوبانگا را در مورخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹ صادر کرد. طرفین از این قرار، تقاضای تجدیدنظرخواهی کردند. شعبه تجدیدنظر دیوان کیفر بین المللی در مورخ ۸ دسامبر ۲۰۰۹ با استدلال اینکه تفسیر

۳۱. فاخری، نریمان، صالحی، جواد، رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین المللی در اصلاح اتهامات لوبانگا: از هماهنگی تا تعارض میان آیین نامه

دیوان با اساسنامه رم، مجله حقوقی بین المللی / شماره ۵۱ / پاییز زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۸۵

۳۲. ماده ۵۵ بند(۱) آیین نامه مقرر می دارد: «شعبه بدون افزایش وقایع و شرایط بیان شده در کیفرخواست و اصلاحات بعدی آن می تواند در رای خود براساس ماده ۷۴ اساسنامه عنوان قانونی وقایع را برای مطابقت با جرایم براساس مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه یا برای نوع مطابقت با نوع مشارکت متهم براساس مواد ۲۵ و ۲۸ اساسنامه اصلاح نماید.»

۳۳ Enlisting and conscripting of children under the age of 15 years into the Force patriotique pour la libération du Congo [Patriotic Force for the Liberation of Congo] (FPLC) and using them to participate actively in hostilities.

شعبه بدوی از ماده ۵۵ آیین نامه در تعارض با بند (۹) ماده ۶۱ اساسنامه است، این قرار را نقض کرد. نقض قرار در شعبه تجدیدنظر، واکنش های زیاد فعالان حقوق بشر و طرفداران حقوق قربانیان جرایم لوبانگا را برانگیخت، ضمن اینکه این اولین پرونده پیش روی دیوان کیفری بود که مفاد نظری اساسنامه و دیگر مقررات دیوان کیفری را به آزمون عملی گذاشته بود.^{۳۴}

۱-۳-۲- تحلیل ماهیت اصلاح اتهامات در جریان رسیدگی

مطابق بند ۹ ماده ۶۱ اساسنامه رم، تعیین اتهامات متهم انحصاراً به عهده دادستان می باشد و چنانچه دادستان بخواهد به اتهامات متهم اضافه نماید آیین مخصوصی برای این کار وجود دارد یعنی بعد از تایید اتهامات و پیش از جلسه دادرسی دادستان می تواند با جلب نظر شعبه مقدماتی اتهامات را بیافزاید یا مسترد دارد. اما چالشی که در جریان رسیدگی به پرونده توماس لوبانگا بود، افزودن اتهامات توسط شعبه بدوی پس از تایید اتهامات توسط شعبه مقدماتی بوده است و اساس این عمل نیز ماده ۵۵ آیین نامه دیوان بیان گردیده بود. با نگاهی به بند (۱) ماده ۵۵ مشاهده می گردد که شعبه بدوی می تواند صرفاً «وصف قانونی جرایم» را بدون افزودن «واقعه جدید» تغییر دهد.

با وجود این، بند ۲ ماده ۷۴ اساسنامه میان « وقایع و شرایط بیان شده در اتهامات » و « اتهامات » تمایز قائل شده است. لذا این مسئله مطرح شد که شعبه بدوی، محدود به وقایع و شرایط قیدشده در کیفرخواست است و در نتیجه نباید «وقایع یا شرایط جدیدی» را به کیفرخواست اضافه نماید. با این حال اگر توصیف جدیدی در وقایع و شرایط کیفرخواست، توجیه داشته باشد، قاضی می تواند به استناد ماده ۵۵ آیین نامه، دلیل ارائه شده در طول دادرسی را برای تغییر عنوان قانونی جرم، مدنظر قرار دهد.^{۳۵} از اواخر سال ۲۰۰۸ دیوان گزارش داد که حدود نهصد و شصت نفر قربانی، تقاضای حضور در محاکمه آقای لوبانگو را دارند و در سال ۲۰۰۹ در مجموع به یکصد و دو نفر از آنها اجازه داده شد تا در محاکمه شرکت نمایند که هفت وکیل به نمایندگی از آنها در دادگاه حاضر شدند. این وکلاء اصرار داشتند تا تجاوز و خشونت جنسی هم به کیفرخواست آقای لوبانگا اضافه شود. بر این اساس و مطابق ماده ۵۵ آیین نامه شعبه بدوی این اتهامات را به کیفرخواست اضافه نمود. ^{۳۶} بدیهی است که مطابق اساسنامه اصلاح کیفرخواست و افزودن جرایم به آن از وظایف دادستان است و آیینی که برای آن تعیین شده است برای انجام یک محاکمه عادلانه است. بند (۹) ماده ۶۱ اساسنامه در این خصوص مقرر می دارد که «...اگر دادستان در مقام افزودن به اتهامات و یا جایگزین سازی آنها با اتهامات مهمتری برآید، جلسه ای وفق این ماده به منظور تایید اتهامات مزبور باید تشکیل شود...»

بر این اساس دادستان ضمن تقاضای تجدیدنظرخواهی از این رأی، استدلال کرد که تفسیر دیوان برای افزودن وقایع و شرایط به وقایع و شرایط توصیف شده از قبل در کیفرخواست در مرحله مقدماتی، اختیارات او را در اصلاح کیفرخواست نقض می کند. متهم نیز در اعتراض به این رأی استدلال کرد که دیوان به موجب این تفسیر به خود اجازه داده است که وقایع و شرایطی را افزون بر وقایع و شرایط موجود در کیفرخواست وی مدنظر قرار دهد که برخلاف اصل قانونی بودن و رعایت مؤلفه های دادرسی عادلانه است.^{۳۷}

^{۳۴}Id, p. 186

^{۳۵}Id, p. 188

^{۳۶}Hoile, *supra* note 3, p. 272

^{۳۷} فاخری و صالحی، منبع پیشین شماره ۳۱، ص ۱۹۰

چالشهای دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو

۲-۳-۲- موضع شعبه تجدید نظر در مورد افزایش اتهامات

با افزودن اتهام به کیفرخواست و تجدید نظر خواهی متهم و دادستان، پرونده به شعبه تجدید نظر دیوان ارجاع شد. در این قسمت دیدگاههای قضات تجدید نظر در این خصوص را نیز مختصراً بیان می نمایم. پیش از آن لازم است تا دیدگاه آقای آدرین فول فورد^{۳۸} رئیس دادگاه بدوی را بیان نمایم. ایشان بعنوان مخالف افزایش اتهامات در ۲۸ صفحه نظر خود را بیان نمودند و متذکر شدند که «...دادستان می بایست برای افزودن این اتهامات، آنها را پیش از جلسه محاکمه - به هنگام رسیدگی شعبه مقدماتی- ارائه می داده است و صحیح آن است که محاکمه بر مبنای اتهامات تایید شده پیش رود...»^{۳۹} اما در نهایت دادگاه تجدید نظر در رسیدگی به این امر، ضمن رد کردن افزایش اتهامات آقای لوبانگا مقرر داشت که: «تایید اتهامات یک پیش شرط اساسی برای آماده سازی موثر دفاعیات متهم است»^{۴۰} ذر این خصوص آقای مابیل^{۴۱} قاضی دیگر شعبه تجدید نظر دیوان بین المللی کیفری، دیدگاه خود را چنین بیان می کند: «اضافه کردن اتهامات این تردید را به وجود می آورد که آیا محاکمه عادلانه صورت می گیرد یا خیر؟ همچنین حق متهم در داشتن آن رعایت گردیده است. به علاوه در مورد نقش قربانیان نیز به نظر می رسد باید تمامی اظهاراتشان مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.»

آقای هلر^{۴۲} قاضی دیگر شعبه تجدید نظر در این خصوص نظر خود را چنین بیان نموده است:

«...اگر این رویه ادامه یابد ممکن است سابقه شود. اگر هر نقطه نظری در طول رسیدگی ارائه شود آیا قاضی می تواند وقایع جدید را به کیفرخواست اضافه نماید و در آن صورت آیا متهم می تواند مطمئن باشد از اینکه دفاعیاتی که ارائه می دهد کافی است یا خیر؟ زیرا متهم مطمئن نیست که اتهامات دقیقاً چیست؟... همچنین قربانیان و وکلاء آنان می توانند در دادگاه حضور داشته باشند و در مباحث شرکت کنند. اما افزودن اتهامات به کیفرخواست از وظایف دادستان است نه قربانیان. به عبارت دیگر این نقش قربانیان نیست که در جریان دادرسی تصمیم بگیرند که چه اتهاماتی باید به کیفرخواست اضافه شود...»

آقای روزنبرگ^{۴۳} نیز چنین اظهار نظر می کند: «... یک محاکمه بین المللی کیفری، یک پیگرد قضایی عمومی نیست و شیوه پیش بینی شده بهترین روشی است که می توان دریافت که خواننده در برابر اتهامات مجرم است یا خیر؟...»^{۴۴} بنابراین و همانگونه که بیان گردید، دیوان به اندازه تصحیح وصف قانونی جرم صلاحیت دارد. به عبارت دیگر شعبه بدوی محدود به وقایع و شرایط قید شده در کیفرخواست است و نباید وقایع و شرایط جدیدی را به کیفرخواست اضافه نماید. هدف این ماده پر کردن خلاء های قانونی توسط دیوان است. زیرا ممکن است این خلاء ها به متهم اجازه دهد تا به لحاظ عدم تناسب اتهامات با دلایل دادستان از

^{۳۸}Adrian Fulford

^{۳۹}*Id.*, p. 272

^{۴۰} «The Chamber is persuaded that a necessary precondition for the “effective preparation” of the accused’s defence, at this stage in the trial...now that the prosecution has concluded its evidence, and before the evidence proceeds further, the accused should have certainty as regards these issues... . If the case continues...the defence will be placed in [an] unfair position.... It follows that if the Chamber continues to hear evidence in the case prior to the decision of the Appeals Chamber on the substantive issue, there is too great a risk that the defence will proceed, as least for part of the trial, on a significantly false basis.»

^{۴۱}Mabille

^{۴۲}Heller

^{۴۳}Rozenberg

^{۴۴}The Trial of Thomas Lubanga at the International Criminal Court: The Appeal Judgment

مجازات مبراء شود. اگر این اختیار برای قضات دیوان نباشد چاره ای جز تبریئه و آزادی متهم ندارد و سپس دادستان مجبور است تا پرونده جدیدی را مفتوح نماید. لذا اعمال بند (۱) ماده (۵۵) زمانی صورت می گیرد که دلایل موید اتهامات کیفرخواست نباشد. یعنی دیوان اطمینان دارد که وی مرتکب اتهام شده اما ادله را متناسب با اتهام نمی یابد در اینجا با تغییر وصف قانونی جرم می تواند وی را محاکمه و مجازات نماید. البته این امر نیز باید مطابق بند (۲) ماده (۵۵) و براساس آیینی که تعیین نموده انجام گیرد. البته لازم به ذکر است که در پرونده آقای بوسکو تاگاندا ما شاهد رویکرد صحیح دادستان هستیم یعنی افزودن اتهامات به کیفرخواست در جریان تایید اتهامات توسط شعبه مقدماتی و پیش از شروع دادرسی شعبه بدوی.

۳- کارکرد دیوان در رعایت حقوق متهم در جریان دادرسی

رعایت حقوق متهم بدون شک مبناء و اساس یک دادرسی عادلانه است آن هم برای یک محکمه بین المللی که مدعی رعایت استانداردهای حقوقی در رسیدگیهای قضایی خویش است. دادرسی عادلانه معیاری است که بر مبنای آن می توان امیدوار بود که حقوق متهم در دادرسی رعایت شده و البته مورد تاکید اسناد حقوق بشری خصوصا اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز می باشد.

دادرسی عادلانه فرآیندی است که بر مبنای اصل برائت و حفظ کرامت انسانی پایه گذاری شده و رعایت الزامات آن، رفتار کرامت مدار و احکامی مبتنی بر عدالت و انصاف را نوید می دهد. به عبارت دیگر دادرسی زمانی عادلانه است که توسط دادگاهی منصف و بی طرف، براساس تشریفات قانونی انجام گرفته و در جریان آن حقوق اساسی و قانونی متهم محترم شمرده شود.^{۴۷} بدین منظور مواردی که در جریان رسیدگی به وضعیت کنگو موجب بروز چالش شده است را مختصرا مورد بررسی قرار می دهیم:

۱-۳- عدم دسترسی به کلیه اسناد و مدارک

مطابق مقررات دیوان، پس از تایید اتهامات، پرونده، برای شروع رسیدگی قضایی در اختیار شعبه بدوی قرار می گیرد. با نگاهی به اساسنامه و آیین دادرسی ادله مشاهده می کنیم که رعایت حقوق متهم از جمله معیارهای مهم یک محاکمه عادلانه می باشد. به عبارت دیگر چنانچه برای دادگاه محرز شود که حقوق متهم در برخورداری از یک محاکمه عادلانه رعایت نمی شود، می تواند رسیدگی را تا فراهم شدن این شرایط متوقف کند و حتی ممکن است پا را از این هم فراتر گذارده و متهم را آزاد نماید. این موضوع در پرونده آقای لوبانگا دو مرتبه موجب توقف رسیدگی گردید.

الف- نخستین توقف رسیدگی:

۴۵. بند (۲) ماده (۵۵) مقرر می دارد: «اگر در جریان محاکمه، هر زمان برای دیوان مشخص شود که عنوان قانونی وقایع، قابل تغییر است، باید آن را به اطلاع طرفین برساند و مدارک را استماع نماید. شعبه باید در زمان مناسبی از دادرسی، به طرفین فرصت ارائه اظهارات کتبی و شفاهی را بدهد. دیوان می تواند جلسه استماع را به تاخیر بیاورد تا اطمینان حاصل شود که طرفین زمان و امکانات کافی برای آمادگی موثر داشته باشند.»

۴Fair Trial

۴۷. آماده، غلامحسین، نقش رئیس قوه قضاییه در فرایند کیفری ایران، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۸، ص ۱۷

نخستین توقف در سال ۲۰۰۸ به دلیل اینکه «پیش شرطهای اساسی یک محاکمه عادلانه به نظر دادگاه از میان رفته است»، اتفاق افتاد. بر این اساس دیوان آن را برای یک محکمه بین المللی خطر بزرگی دانسته بود و بنابراین در ۲ جولای ۲۰۰۸ به دلیل اینکه محاکمه عادلانه متهم امکان پذیر نبود، دستور توقف رسیدگی و آزادی آقای لوبانگا را صادر نمود. علت امر آن بود که قضات معتقد بودند که دادستان تضمینی ارائه نداده است که قضات می توانند در طول رسیدگی به تمام اسناد و مدارک لازم دسترسی داشته باشند و این تخلف و تجاوز اساسی نسبت به حق آقای لوبانگا در داشتن یک محاکمه عادلانه است.^{۴۸} بر این اساس تصمیم دادگاه تجدید نظر، در تایید تعلیق دادرسی بود تا اطمینان از برقراری یک محاکمه عادلانه بوجود آید و صرفاً دستور آزادی لوبانگا را لغو نمود و به دادستان این فرصت داده شد تا همه اسناد را در اختیار دادگاه قرار دهد.

ب- دومین توقف رسیدگی:

در ۸ جولای ۲۰۱۰ بود که دادگاه بدوی دستور داد به دلیل عدم تبعیت از دستورات دادگاه توسط دادستان امکان برگزاری یک محاکمه عادلانه وجود ندارد. دلیل این امر هم آن بود که قضات دادگاه معتقد بودند کسانی که دفتر دادستانی بواسطه آنها به جمع آوری اسناد و مدارک پرداخته است بر شهود نفوذ داشته اند. البته دادگاه تجدید نظر پس از بررسی، دستور لغو تعلیق را داد. اساس استدلال این بود که شهودی که شهادت آنها متناقض است باید صرفاً از اعداد دلایل خارج شوند.^{۴۹} در مورد اول دادستان به ادعای اینکه حفاظت از شهود و بزه دیدگان از وظایف دادستانی است اجازه دسترسی به همه اسناد و مدارک را نداد. شعبه بدوی معتقد بود که دادستانی با توجیه حفاظت از شهود و اسناد محرمانه امکان دسترسی کافی دادگاه به اسناد را قطع نموده است در حالیکه در طول دادرسی مطابق ماده (۶۸) اقدامات حفاظتی از وظایف قضات است و نه دادستان.

۲-۳- بهره مندی متهم در داشتن مترجم

مطابق بند (۱) ماده (۶۷) اساسنامه رم چنانچه دادرسی به زبان دیگری صورت پذیرد، متهم می تواند از داشتن مترجم بهره مند شود و نظارت بر حسن انجام این امر از وظایف شعبه بدوی می باشد. این امر به قدری حائز اهمیت است که اشکال در آن موجب توقف دادرسی آقای لوبانگا در سال ۲۰۱۰ گردید.

در این خصوص، شعبه بدوی علت توقف دادرسی را خدشه دار بودن محاکمه به واسطه خطاهای مکرر ترجمه عنوان نمود. بدین صورت که میان نسخه های ترجمه شده به زبان انگلیسی و فرانسه تفاوت وجود داشت. وکلای آقای لوبانگا اعلام داشتند که بطور مثال در رونوشت فرانسه توسط شهود دو نام ذکر شده بود اما در رونوشت انگلیسی تنها یک نام وجود داشت و ادعا کردند که وجود خطاهای ترجمه هم کار دفاع را مشکل ساخته و هم حق آقای لوبانگا در داشتن محاکمه عادلانه را تضییع نموده است. این امر در مورد شهادت شهود نیز قابل مشاهده است بنحوی که برخی از آنها مدعی بودند که سخنان آنها اشتباه

۴۸. Marquand, Robert, "Global court starts with a fumble. Warlord grins. Witness recants testimony during start of Congo militia leader Thomas Lubanga's trial", Christian Science Monitor, 30 January 2009, p. 30, available at <http://www.csmonitor.com/2009/0130/p01s01-wogn.html>,

۴۹. Rozenberg, Joshua, "Lubanga Trial: More Delays", Standpoint, 3 October 2009, p. 12, available at <http://www.standpointmag.co.uk/node/2256>.

ترجمه شده است تا جایی که یکی از قضات ذی‌یون در اظهاراتش بیان کرده بود که امروزه دیوان بین المللی کیفری دچار بحران لغت شده است.^{۵۱}

نتیجه گیری

اگر چه تلاش برای بی کیفر مانی امروزه با وجود دیوان بین المللی کیفری، تجلی بهتری یافته است اما محاکمه عادلانه نیز نیاز امروز برای یک محکمه بین المللی است. دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو با چالشهای فراوانی مواجه بود. از عملکرد دادستانی در جمع آوری اسناد و مدارک تا عملکرد شعبه بدوی خصوصا در پرونده آقای توماس لوبانگا - در افزایش اتهامات بعد از تایید آن توسط شعبه مقدماتی - انتقادات بسیاری را متوجه این دیوان نمود. تا جایی در خلال رسیدگیها چندین مرتبه شاهد توقف رسیدگی و حتی تلاش برای آزادی متهمان به دلیل آنکه مولفه های دادرسی عادلانه وجود ندارد هستیم. بعلاوه نتیجه رسیدگیها هم آن بود که برخی متهمان تبرئه شدند و آنهایی هم که محکوم شدند مجازاتشان نسبت به جرایم ارتكابی، اقلان کننده نبود. رسیدگی به پرونده آقای توماس لوبانگا نزدیک به هفت سال طول کشید و با وجود فراز و نشیب های فراوان، هزینه های گزاف و آمد و رفت حدود هزار شاهد در نهایت وی به ۱۴ سال زندان محکوم شد که حدود هفت سال آن سپری شده بود و از این رو عده ای عملکرد دیوان را به سخره گرفتن عدالت قلمداد کرده اند تا اجرای عدالت. در مورد سایر متهمان نیز عملکرد دیوان نشان می دهد که توفیقی در مجازات آنها نداشت. این امر را باید کنار جنایات وسیع و کم سابقه ای که با خشونت تمام صورت گرفته گذاشت. اما علی رغم تمام این مشکلات و چالشها وجود یک محکمه بین المللی کیفری برای مبارزه با بی کیفرمانی بهتر از نبود آن است و تلاش برای ترمیم و اصلاح نقاط ضعف آن به کارآمدی این محکمه خواهد افزود. بدیهی است که یا عوض شدن دادستان و آمدن خانم بنسودا در رسیدگیهای بعدی شاهد عملکرد بهتر دادستانی در جمع آوری مدارک و همچنین موارد مربوط به کیفرخواست و تایید اتهامات هستیم. نکته قابل توجه آنکه نظرات قضات تجدید نظر بسیار عادلانه، قابل ملاحظه و دارای نکات حقوقی بسیاری است که توجه به آنها می تواند به روشن شدن مفهوم پاره ای از مقررات اساسنامه، آیین اداری و ادله و همچنین رویه دیوان کمک نماید. اگر چه محاکمه متهمان جنایات در جمهوری دموکراتیک کنگو، دستاوردی مهم برای سیستم عدالت بین المللی بود اما با توجه به عدم توفیق کامل دیوان در محکوم نمودن همه متهمان، می توان برخی از این دلایل را ناشی از ایرادات مربوط به دادرسی دانست که عبارتند از:

نخست- ایرادات اساسی در نحوه جمع آوری ادله در تحقیقات مقدماتی که با توجه به بررسی پرونده ها به نظر می رسد افرادی که برای این منظور در نظر گرفته شده بوند تخصص و مهارت کافی نداشتند.

دوم- عدم حمایت و حفاظت کافی از شهود که در جریان دادرسی امکان استفاده از ابزار شهادت را ناکارآمد کرد.

سوم- تنظیم عجولانه کیفرخواست بدون لحاظ همه جرائم ارتكاب یافته، خصوصا در مورد جرائم جنسی که اتفاقا بارزترین جرائم صورت گرفته در جریان وقایع کنگو بوده است.

چهارم- عدم رعایت حقوق متهمان اعم از عدم دسترسی به اسناد و مدارک پرونده، استفاده از آزادی موقت و یا داشتن

مترجم مناسب

۵Mark Findly

۵Hoile, *supra* note 3, P. 279

پنجم- عدم تناسب میان جنایات صورت گرفته و مجازات اعمال شده

منابع

الف: منابع فارسی

کتابها

- (۱) آماده، غلامحسین، نقش رئیس قوه قضاییه در فرایند کیفری ایران، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۸
- (۲) زمانی نیا، امیرحسین، جمهوری اسلامی ایران و دیوان بین المللی کیفری، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، چاپ نخست، ۱۳۹۰
- (۳) میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۸۸

مقاله ها

- (۴) فاخری، نریمان، صالحی، جواد، رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین المللی در اصلاح اتهامات لوبانگا: از هماهنگی تا تعارض میان آیین نامه دیوان با اساسنامه رم، مجله حقوقی بین المللی / شماره ۵۱ / پاییز زمستان ۱۳۹۳
- (۵) قریشی، فاطمه سادات، عدالت ترمیمی و مشارکت قربانیان در دیوان کیفری بین المللی (با اشاره به پرونده توماس لوبانگا)، کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی، ۱۳۹۶

ب: منابع غیرفارسی

Books

- 6) Hoile, David, justice denied, Africa Research Centre, 2014
- 7) Paula Airth, Daniel McLaughlin, Bearing Witness at The International Criminal Court: An Interview Survey of 109 Witnesses, 2014

Articles

- 8) Baumgartner, Elisabeth, "Aspects of Victim Participation In The Proceedings Of The International Criminal Court ", International Review of The Red Cross, Vol. 90, No. 870, 2008
- 9) Boschiero, Nerina, The ICC Judicial Finding on Non-cooperation Against the DRC and No Immunity for Al-Bashir Based on UNSC Resolution 1593, Journal of International Criminal Justice, Volume 13, Issue 3, 2015
- 10) Kambale, Pascal, Rotman, Anna, The International Criminal Court and Congo, Global Policy Forum, 2004
- 11) Marquand, Robert, "Global court starts with a fumble. Warlord grins. Witness recants testimony during start of Congo militia leader Thomas Lubanga's trial", Christian Science Monitor, 30 January 2009, available at <http://www.csmonitor.com/2009/0130/p01s01-wogn.html>

- 12) Rozenberg, Joshua, “Lubanga Trial: More Delays”, Standpoint, 3 October 2009 available at <<http://www.standpointmag.co.uk/node/2256>>.
- 13) Will, Mary, A Balancing Act: The Introduction of Restorative Justice in the International Criminal Court’s Case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo. Florida State University Journal of Transnational Law & Policy. 17(1), 2007
- 14) Omorogbe, Eki Yemisi, The Crisis of International Criminal Law in Africa: A Regional Regime in Response? Netherlands International Law Review, 2019